

## When negative is positive; the study of expletive negation in Hamedani

Rasekhmahand, Mohammad<sup>1</sup> 

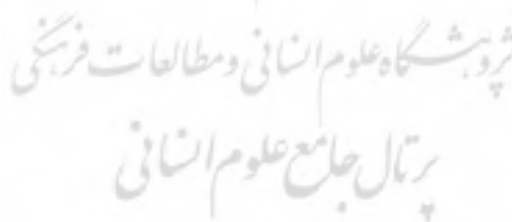
Nasseh, Mohammad Amin<sup>2</sup> 

Linguistics Department, Faculty of Literature  
and humanities, Bu-Ali Sina University,  
Hamedan, Iran  
English language and linguistics department,  
Birjand University

### Abstract

In Persian dialect of Hamedan, there are some negative sentences which do not mark polarity. In cross-linguistic studies, these structures are called expletive negatives. They are formally negative, but logically positive. Based on a fieldwork data, I have shown that expletive negatives occur in temporal adverb clauses of 'since, until, as soon as, before', adverbial clauses of unexpected or impossible event, and clauses showing regret and complain. I have argued that the shared function of expletive negative in these concepts is to show a kind of epistemic modality. The meaning conveyed in these contexts is uncertainty, impossibility and unwillingness. Hence, the negative marker does not show polarity, but a kind of epistemic modality. The prevalence of this structure in Hamedani dialect is due to its long contact with Turkish, a language which has many instances of expletive negative. Hamedani Persian has borrowed this structure from 'before' adverb clauses of Turkish.

**Keywords:** expletive negative, adverbial clauses, epistemic modality, language contact, Hamedani dialect




1. rasekh@basu.ac.ir

2. amin\_nasseh@birjand.ac.ir


**How to cite:** Nasseh, M. A. (2022). When negative is positive; the study of expletive negation in Hamedani. *Language and Linguistics*, 18(36), 1-12. doi: 10.30465/lsi.2023.44382.165709:50

## وقتی منفی مثبت است: بررسی ساخت نفی تهی در فارسی همدانی

استاد دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه  
زبان‌شناسی، همدان، ایران

راسخ مهند، محمد 

استادیارگروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

ناصر، محمدامین 

**چکیده:** در این مقاله به یک ویژگی ساختاری در فارسی همدانی می‌پردازیم. در این گویش، جملاتی وجود دارند که نشانه منفی بر روی فعل قرار دارد، اما معنای منطقی جمله منفی نیست. در مطالعات رده‌شناختی این ساخت را ساخت نفی تهی می‌نامند. با استفاده از پیکره گفتاری گویش همدانی، نشان داده‌ایم که این ویژگی در برخی بندهای قید زمان، و نیز برای بیان عمل غیرمنتظره و شکایت و ابراز تاسف در بندهای وابسته قیدی به کار می‌رود. پس از تعیین جایگاه این ساخت‌ها در مطالعات رده‌شناختی، سعی در تبیین وجود این ویژگی پرداخته‌ایم. ابتدا نشان داده‌ایم که این ساخت در واقع نوعی وجهیت معرفتی را در فارسی همدانی نشان می‌دهد، که بر عدم قطعیت، عدم امکان و عدم تمایل از سوی گوینده اشاره دارد. همچنین دلیل وجود این ساخت در فارسی همدانی، و نبود آن در فارسی گفتاری (تهرانی)، در این نکته نهفته است که گویش همدانی، این ویژگی را در تماس با زبان ترکی قرض گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** نفی تهی، بند قیدی، وجهیت معرفتی، تماس زبانی، گویش همدانی.

## ۱ مقدمه

در بررسی پیکره گویش فارسی همدانی (صبوری، ۱۴۰۱) به جملاتی برخورداریم که چند نمونه آن در زیر آمده است:

(1) *i ke kur na-šod, ma diye ruz-e xoš na-didam*  
 he that blind NEG-become, I anymore day-EZ happy NEG-see-1SG  
 'As soon as he got blind, I had no good times.'

(این که کور نشد، من دیگر روز خوش ندیدم.)

(2) *das ke ne-mi-keš-i ru harči, xāk-e*  
 hand that NEG-IND-touch-2SG over everything, dirty-BE.3SG  
 'As you touch everything, it is dirty.'

(دستت را که نمی‌کشی روی هرچی، همین‌جور خاک هست.)

(3) *i xiyābān-e ke na-r-i tā tah, hamu dast-e čap-e*  
 this street-DEF that NEG-go-2SG till end, that hand-EZ left-be.3SG  
 'As you go this street to the end, it is on the left hand.'

(این خیابان را که نری تا ته، همون دست چپه.)

ویژگی جالب این جملات این است که با اینکه دارای نشانه منفی روی فعل هستند، اما معنای جمله مثبت است. مثلاً در جمله (۱)، منظور گوینده این است که «از وقتی او کور شد، من روز خوش ندیدم»، اما فعل را به صورت منفی، «کور نشد» آورده است. یا در جمله (۲)، منظور این است که «وقتی دستت را می‌کشی» متوجه می‌شوی که همه جا پر از گرد و خاک است. همین‌طور در جمله (۳) هم منظور این است که «اگر این خیابان را تا ته بروی»، دست چپ محل مورد نظر را پیدا می‌کنی. پس در این جملات، فعلی به‌کاررفته که منفی است، اما معنای جمله مثبت است. به این کاربرد ساخت نفی در مطالعات زبان‌شناختی، نفی تهی<sup>۱</sup> می‌گویند (جین<sup>۲</sup> و کونینگ<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱).

نگاه پیکره‌بنیاد به گویش فارسی همدانی، که تفاوت‌های آوایی، صرفی-نحوی و واژگانی با فارسی معیار دارد (صبوری، ۱۴۰۱)، باعث شد این ویژگی دستوری که در مطالعات پیشین مغفول مانده، جلب نظر نماید. در این مقاله توصیفی از ساخت نفی تهی در این گویش به دست می‌دهیم و آن را با ساخت‌های مشابه در زبان‌های جهان مقایسه می‌کنیم. مثال‌های این مقاله از گویش فارسی همدانی است و لزوماً این جملات در فارسی گفتاری (تهرانی) کاربرد ندارند. ضمن اینکه در هیچ پژوهش دیگری، قبلاً به وجود این ساخت در زبان فارسی و گونه‌های مختلف آن اشاره‌ای نشده است. البته پژوهش‌های بیشتر می‌تواند وجود یا عدم وجود این ساخت را در گونه‌های دیگر زبان

1. expletive negation

2. Y. Jin

3. J. P. Koenig

فارسی مشخص کند. در بخش (۲) به تعریف رده‌شناختی ساخت نفی تهی می‌پردازیم و بافت‌های دستوری که این ساخت در آن‌ها دیده می‌شود را بررسی می‌کنیم. در بخش (۳) به این ساخت در گویش همدانی و بافت‌های دستوری محرک<sup>۱</sup> آن اشاره می‌کنیم و نشان می‌دهیم این گویش از میان بافت‌های نحوی موجود در زبان‌های دنیا، چه بافت‌هایی را به کار می‌برد. در بخش (۴) تبیین‌های آرایه شده برای حضور این ساخت را معرفی می‌کنیم و نشان می‌دهیم چرا برخی زبان‌ها، و از جمله گویش همدانی، اصولاً یک ساخت منفی به کار می‌برند در حالی که معنای مثبت افاده می‌کنند. بخش (۵) نتیجه‌گیری مقاله است.

## ۲ تعریف ساخت نفی تهی

جین و کونینگ (۲۰۲۱: ۴۱) ساخت نفی تهی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «حضور یک نشانه منفی به شرطی نفی تهی قلمداد می‌شود که بر روی یک واژه‌ای در ساخت نحوی یا جمله بنشیند (مثلاً بر روی فعل، قید، حرف اضافه و نظایر آن)، به معنای آن ربط داشته باشد، اما قضیه<sup>۲</sup> موجود در ساخت و جمله را نفی (منطقی) نکند». آن‌ها با بررسی ۷۲۲ زبان عنوان کرده‌اند که در ۷۴ زبان نفی تهی یافته‌اند، ولی به دلیل یکدست نبودن منابع در زبان‌ها، این یافته به معنای آن نیست که نفی تهی محدود به این زبان‌ها است<sup>۳</sup>. با این تعریف، مثال‌های (۱) تا (۳) در بالا نیز دارای ساخت نفی تهی هستند.

جین (۲۰۲۱) و جین و کونینگ (۲۰۲۱) در مورد ساخت نفی تهی دو پرسش اساسی را مطرح کرده‌اند. یک، ساخت نفی تهی به چه میزان در زبان‌های جهان یافت می‌شود؟ دو، چه افعال، حروف اضافه، قیود یا باهمایی‌هایی باعث حضور ساخت نفی تهی می‌شوند؟ یا به عبارتی چه بافت نحوی محرک استفاده از ساخت نحوی است؟

در پاسخ به پرسش اول، این‌گونه عنوان کرده‌اند که با این‌که سعی شده از زبان‌های مختلف با تنوع جغرافیایی و خانوادگی، داده‌های یکسان تهیه شود، اما در عمل داده‌ها از پیکره، مقالات و کتاب‌های دستور زبان تهیه شده است. با این اوصاف، آن‌ها در ۷۴ زبان این

1. trigger

2. proposition

۳. برای بررسی رده‌شناختی نفی تهی به جین و کونینگ (۲۰۲۱) و رساله دکترای جین (۲۰۲۱) و منابع مذکور در آنها می‌توان

رجوع کرد.

ساخت را یافته‌اند که از ۳۲ گروه زبانی<sup>۱</sup> بوده‌اند. آن‌ها عنوان کرده‌اند که این ویژگی در اکثر زبان‌ها و ویژگی گونه‌گفتاری و در برخی زبان‌ها، مثلاً هلندی، مختص برخی گویش‌ها یا گونه‌های غیرمعیار آن زبان است. در واقع بحث نفی تهی در مطالعات زبانی ابتدا در مورد زبان فرانسوی شروع شد و سپس در مورد زبان ماندارین<sup>۲</sup> پژوهش‌هایی صورت گرفت (جین و کونینگ، ۲۰۲۱: ۱۲). اکنون این ویژگی در زبان‌های مختلف یافت می‌شود<sup>۳</sup> (لوویز<sup>۴</sup> ۲۰۰۰، آبلز<sup>۵</sup> ۲۰۰۵، هوم<sup>۶</sup> ۲۰۱۰، هترله<sup>۷</sup> ۲۰۱۵، خان<sup>۸</sup> ۲۰۱۶، ولشی<sup>۹</sup> ۲۰۱۸، دوبروشینا<sup>۱۰</sup> ۲۰۲۰).

در مورد پرسش دوم پژوهش‌گران پاسخ‌های مختلفی داده‌اند. در واقع آن‌ها سعی کرده‌اند مشخص کنند در هر زبانی که ساخت نفی تهی یافت می‌شود، بافت نحوی خالق آن چه بوده است. با این‌که زبان‌ها بافت‌های نحوی محرک متفاوتی دارند، اما جین و کونینگ (۲۰۲۱: ۱۴) از حیث رده‌شناختی آن‌ها را در چند طبقه قرار داده‌اند. این بافت‌ها بر اساس مفهوم تعریف شده‌اند و هر طبقه دارای زیرطبقه‌هایی است. بافت‌های اصلی شامل این مفاهیم هستند: ترس، تاسف، انکار کردن، فراموش کردن، روابط زمانی<sup>۱۱</sup>، ناممکن<sup>۱۲</sup>، بدون<sup>۱۳</sup>، مگر<sup>۱۴</sup>، مقایسه‌ای<sup>۱۵</sup>. در بخش بعد نشان می‌دهیم از میان این بافت‌ها کدام یک در زبان فارسی همدانی باعث استفاده از ساخت نفی تهی می‌شود و این گویش چه بافتی دارد که در مطالعات بین‌زبانی به آن اشاره نشده است.

### ۳ بافت‌های محرک ساخت نفی تهی در فارسی همدانی

بر اساس داده‌ها، ساخت نفی تهی در این بافت‌ها در فارسی همدانی یافت شد. الف) بافت زمانی (از، به محض اینکه، تا زمانی که، قبل): در این طبقه، در زبان‌های دنیا چند زیرطبقه وجود دارد (قبل<sup>۱۶</sup>، نمی‌توانم صبر کنم<sup>۱۷</sup>، از<sup>۱۸</sup>، به‌ندرت). در داده‌های مورد بررسی چهار زیرطبقه از بافت زمانی یافت شد. مثال (۱) در بافت زمانی «از» ساخته شده

1. Genera

2. Mandarin

۳. این موضوع در وبگاهی که از سوی انجمن رده‌شناسی جهان برای بحث درباره موضوعات زبانی وجود دارد مطرح شد و زبان‌شناسان متعددی ایده‌ها و یافته‌های خود را در اختیار نگارندگان قرار دادند. دیدگاه آن‌ها در نوشتن این مقاله بسیار مفید بود. از همه این افراد سپاسگزاریم. پرسش و پاسخ مذکور را در لینک زیر می‌توان یافت. <https://listserv.linguistlist.org/pipermail/lingtyp/2022-January/009471.html>

4. Lewis

5. Abels

6. Hom

7. Hetterle

8. Khan

9. Wälchli

10. Dobrushina

11. temporal

12. impossible

13. without

14. unless

15. comparative

16. before

17. cannot wait

18. since

است. یعنی جمله به این صورت تعبیر می‌شود: «(از زمانی که) این کور شد، من دیگر روز خوش ندیدم». پس این بافت در فارسی همدانی نیز وجود دارد. اما در میان داده‌های گویش همدانی، بافت پرکاربردی برای ساخت نفی تھی وجود دارد که جین و کونینگ (۲۰۲۱) به آن اشاره نکرده‌اند. این بافت را می‌توان مفهوم «به محض اینکه<sup>۱</sup>» نامید. در این بافت تأکید بر سرعت وقوع یک عمل، برخلاف انتظار، وجود دارد. مانند مثال‌های زیر:

(۴) تا عروسی نکرد، حامله شد.

(5) *i tā ni-yām-ad tu, o pā šod raft.*  
He as soon as NEG-come-3SG inside, she foot become.PST.3SG go.PST.3SG  
'As soon as he arrived, she left.'

(این تا نیامد تو، او پا شد رفت.)

در مثال‌های (۴) و (۵) بافت محرک «به محض اینکه» است. به عبارتی اگر بخواهیم جملات را به فارسی معیار بگوییم، می‌توانیم قید زمان «به محض اینکه» را به کار ببریم، مثلاً «به محض اینکه عروسی کرد، حامله شد». پس بافت زمانی با دو زیرطبقه «از» و «به محض اینکه»، دو مفهوم محرک نفی تھی در زبان فارسی هستند.

بافت زمانی بعدی «تا زمانی که<sup>۲</sup>» است، مانند مثال زیر:

(6) *mādar=am goft tā zaman-i ke i Mansure na-zā, na-yal-in in-e be-bar-an*  
mother-1SG tell.PST.3SG until time-REL that this M. NEG-give birt, NEG-let-3Pl this-EZ SUBJ-took-3PL  
'My mother told until M. , does not give birth to, do not let them take her away.'

(مادرم گفت تا زمانی که منصوره بزاید، نگذارید او را ببرند.)

در این جمله هم منظور این است که «تا زمانی منصوره بزاید، ...». پس نشانه منفی در معنای منفی نیست.

و آخرین بافت زمانی «قبل» است مانند مثال زیر:

(7) *o pāyin ke rudxāne na-bud, to az kenār=eš rowqan mi-gereft-i, unjā mi-nešt-an*  
That down that river NEG-be.PST.3Sg, you from beside-3SG oil IND-take.PST.2SG, there IND-live-3PL  
'They lived there, that downward near the river, where you took oil from.'

(آنجا که رودخانه نبود (قبلاً بود)، تو از کنارش روغن می‌گرفتی، آنجا می‌نشستند.) همان‌طور که از مثال مشخص است، گوینده اشاره می‌کند که «آنجا قبلاً رودخانه بود، ...»، اما فعل را بصورت منفی آورده است.

ب) غیرمنتظره<sup>۳</sup> (ناممکن): آنچه جین و کونینگ (۲۰۲۱: ۱۴) ناممکن نامیده‌اند، در

---

1. as soon as  
2. until  
3. unexpected

داده‌های مورد بررسی بیشتر شبیه به یک اتفاق غیرمنتظره بود که روی داده است. به همین دلیل من این بافت را غیرمنتظره نامیدم. در مثال زیر این بافت دیده می‌شود:

(۸) هوا سر شب صاف بود، صبح برف نیامد. (هوا اول شب صاف بود، اما (به طور غیرمنتظره‌ای) صبح برف بارید).

تعداد نمونه‌ها با این بافت در پیکره مورد نظر فقط یک جمله بود. اما همین نمونه هم نشان می‌دهد یکی از محرک‌های نفی تهی، غیرمنتظره بودن عمل است. (ج) تاسف<sup>۱</sup> و شکایت<sup>۲</sup>: این دو مفهوم هم می‌توانند به عنوان بافت محرک ساخت نفی تهی به کار روند. مثال‌های زیر از این بافت است:

(9) *uju ke ni-mi-kub-an, mi-g-i mi-zan-an miyān-e maqz-e ma*  
 way that NEG-IND-knock-3PL, IND-say-3PL IND-hit-3Pl inside-EZ head-EZ 1SG  
 'As the knock on it, it seems they hit in my head'.

(آن‌طور که می‌کوبند، انگار می‌زنند میان مغز من.)

(10) *sob be sob ke i sā'at zang ne-mi-zan-e, del-am mā-xā be-mir-am*  
 morning to morning that this clock ring NEG-IND-hit-3SG, heart=1SG IND-want SUBJ-die-1SG  
 'Every morning that the clock rings. I want to die.'

(صبح به صبح که این ساعت زنگ می‌زند، دلم می‌خواهد بمیرم.)

نمونه‌های این بافت در داده‌ها نسبت به بقیه موارد بیشتر بود. در جمله (۹) گوینده شکایت می‌کند که «طوری که می‌کوبند، انگار به مغز من می‌کوبند» و در جمله (۱۰) نیز شکایت می‌کند که «از زنگ زدن صدای ساعت، می‌خواهد بمیرد».

به این ترتیب، از میان بافت‌های مختلف محرک ساخت نفی تهی در زبان‌های جهان، در داده‌های مورد بررسی گویش همدانی از سه طبقه استفاده می‌شود.

#### ۴ تبیین‌های نقشی

سوال بعدی این است که چرا برخی از زبان‌ها از ساخت نفی تهی استفاده می‌کنند؟ به عبارتی چه تبیینی برای این ساخت وجود دارد؟ من این‌جا بحث را به تبیین‌های نقشی محدود می‌کنم و به تبیین‌های ساختاری و تاریخی نمی‌پردازم. در ظاهر، در ساخت نفی

1. regret  
 2. complain

تهی یک نشانه دستوری (یعنی نشانه منفی) وجود دارد، که کاری نمی‌کند و جمله را منفی نمی‌کند. اگر این نشانه، یک تکواژ تهی<sup>۱</sup> بود، باید از زبان کنار می‌رفت چون با اصل اقتصاد زبانی سازگار نیست (کرافت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: بخش ۴). اما این نکته که در جملات مورد بحث، این ساخت وجود دارد، نشان می‌دهد این ساخت دارای نقشی است که نیازمند تبیین است. ابتدا به بحث تبیین نقشی ساخت نفی تهی اشاره می‌کنم و در ادامه به این نکته می‌پردازم که چرا این ساخت در گونه فارسی همدانی دیده می‌شود.

در مورد تبیین نقشی ساخت نفی تهی، باید دید بافت‌های محرک آن که در بخش قبل بحث شد، چه اشتراکاتی دارند که این صورت یکسان در آن‌ها به کار می‌رود. به کار رفتن صورت یکسان در ساخت‌ها و بافت‌های مختلف، به این معنی است که آن ساخت‌ها و بافت‌ها در یک نقش نقطه اشتراک دارند (کرافت، ۲۰۰۳: بخش‌های ۲ و ۴). اما این نقطه اشتراک در بافت‌های محرک ساخت نحوی چه می‌تواند باشد؟

رامات<sup>۳</sup> (۲۰۲۲) و جیل (گفت‌وگویی شخصی<sup>۴</sup>) عنوان می‌کنند که روابط زمانی دو ویژگی دارند: یکی اینکه به زمان مرتبط هستند و دیگری اینکه غیردایمی هستند. معمولاً بندهای زمانی یک وضعیت در حال گذر را نشان می‌دهند و نه یک وضعیت باثبات. مثلاً در جمله «وقتی چراغ‌ها روشن نبودند، یک چرتی زدیم»، علامت منفی به معنای این نیست که چراغ‌ها هیچ‌گاه روشن نبودند، بلکه معنای یک مرحله‌ای موقتی را نشان می‌دهد که روشن نبودند. به عبارتی علامت منفی در معنای نفی دایمی به کار نرفته است و نشانه قطبیت<sup>۵</sup> نیست. پس اگر در جملات دارای نفی تهی، علامت نفی، قطبیت را در بندهای زمانی نشان نمی‌دهد، به دلیل این است که در این بندها ویژگی دایمی معنایی ندارد و نفی که ذاتاً دایمی است نمی‌تواند این ویژگی خود را حفظ کند و معنایی جز معنای قطبیت دارد.

همچنین جیل عنوان می‌کند نفی به معنای عدم یکسانی است تا یکسانی، مثلاً «علی معلم نیست» به عدم یکسانی علی و معلم اشاره می‌کند. از طرفی در بندهای زمانی، همزمانی رویدادها به معنای یکسانی آن‌هاست و ناهمزمانی آن‌ها به معنای عدم یکسانی

1. empty morpheme

2. Croft

3. P. Ramat

۴. دیوید جیل (David Gil) پاسخ خود را به سوال من در همان وبگاه انجمن رده‌شناسی جهان مطرح کرده است. پاسخ او را نیز در

همین لینک زیر می‌توان یافت. <https://listserv.linguistlist.org/pipermail/lingtyp/2022-January/009471.html>

5. polarity



آن‌ها. مثلاً در جمله «وقتی معلم درس می‌داد، علی گوش می‌کرد»، این دو عمل هم‌زمان روی داده است. اما در عبارات ناهمزمان، یکی از اعمال زودتر با دیرتر از عمل دیگر روی داده است، مانند «وقتی جشن شروع شد، علی در شهر نبود». در محرک‌های زمانی ساخت نفی تهی، هیچ موردی به دو رویداد همزمان اشاره ندارد و فقط در مورد رویدادهای ناهمزمان (قبل و بعد) روی می‌دهند. یعنی رویدادهای ناهمزمان به نوعی عدم یکسانی دارند و نفی نیز معنای عدم یکسانی دارد. در چنین ساخت‌هایی نفی تهی برای نشان دادن این عدم یکسانی است که استفاده می‌شود و نه قطبیت و منفی کردن قضیه. با توجه به این مباحث، جیل می‌خواهد بگوید نفی تهی در بندهای زمانی، معنای قطبی ندارد، بلکه بیشتر بر عدم همسانی تأکید دارد و یا معنا و نقش دیگری دارد. اما این معنا و نقش چیست؟ علاوه بر این، این چه نقشی است که در بافت‌های دیگر مانند امر غیرمنتظره و ناممکن و یا تاسف و شکایت هم کاربرد دارد. به عبارتی اگر این ساخت نفی تهی در چند بافت به کار می‌رود (یعنی صورت مشترکی وجود دارد)، باید در آن بافت‌ها هم دلیل مشترکی یافت شود (یعنی نقش و کاربرد مشترکی هم وجود داشته باشد). من در ادامه تبیین خودم را از نقطه اشتراک نفی تهی در این ساخت‌ها ارایه می‌کنم.

همان‌گونه که مشخص شد، نفی تهی نقش قطبی‌سازی ندارد (یعنی جمله را منفی نمی‌کند). پس چه نقشی دارد؟ از نظر نگارنده، بر اساس نمونه‌های فارسی همدانی، نفی تهی در این گویش نوعی نشانه وجهیت<sup>۱</sup> است. وجهیت به نظر گوینده در مورد احتمال، امکان و قطعیت وقوع عمل (وجهیت معرفتی<sup>۲</sup>) یا توانایی و الزام عامل عمل (وجهیت تعهدی<sup>۳</sup>) اشاره دارد. در زبان فارسی افعال و قیدهایی مانند «توانستن، احتمال داشتن، شاید و باید» از ابزار نشان دادن انواع وجهیت هستند. وجهیت معرفتی به قطعیت<sup>۴</sup> یا عدم قطعیت، و امکان<sup>۵</sup> یا عدم امکان رخ دادن عمل از سوی گوینده و تمایل داشتن<sup>۶</sup> یا نداشتن عامل اشاره دارد. در تمام مواردی که نفی تهی در گویش همدانی به کار رفته است، گوینده به نوعی عدم قطعیت، عدم امکان و عدم تمایل خود را نسبت به عمل روی داده نشان داده است. مثلاً در جمله (۸)، گوینده امکان برف باریدن را در ابتدای شب که آسمان صاف بوده کم می‌دانسته است و با روی دادن این عمل غیرممکن، او جمله را با نفی تهی آورده است. انگار که این نشانه نفی، بین عدم امکان و وقوع آن سرگردانی گوینده را نشان می‌دهد. یا در جمله (۴)، انگار گوینده

1. Modality  
4. certainty

2. epistemic  
5. Possibility

3. deontic  
6. willingness

هنوز از قطعی شدن عمل «عروسی کردن» اطمینان ندارد که آن را با نفی آورده است. در جملات (۹) و (۱۰) نیز که تاسف و شکایت گوینده دیده می‌شود، او عدم تمایل خود را از اتفاقی که می‌افتد (کویدن یا زنگ زدن ساعت) نشان می‌دهد. در تمام موارد فوق یک مهنای مشترک «عدم» دیده می‌شود، عدم قطعیت، عدم امکان و عدم تمایل. اما این مفهوم «عدم» به قدری قوی نبوده است که عمل روی ندهد و جمله دارای قطبیت منفی شود. این نشانه نفی، قطبیت منفی را نشان نمی‌دهد، اما آن «عدم» پنهان در وجهیت جمله را نشان می‌دهد.

سوال پایانی این نوشته این است که چرا گویش همدانی این ویژگی دستوری را دارد در حالی که فارسی گفتاری (تهرانی) چنین ساختی ندارد. به نظر من این ویژگی حاصل تماس زبانی فارسی همدانی با زبان ترکی است. ترکی زبانی رایج در استان همدان است و بخش‌های زیادی از استان و شهر همدان و روستاهای اطراف به ترکی صحبت می‌کنند. بدیهی است که فارسی رایج در همدان به دلیل هم‌نشینی چندصدساله، بسیار از ترکی تاثیر پذیرفته باشد. در زبان ترکی، در بندهای زمانی «قبل»، نشانه نفی وجود دارد، در حالی که جمله منفی نیست. به عبارتی نفی تهی وجود دارد. این نشانه بعد از ستاک فعل قرار می‌گیرد. مثال‌های زیر از لی ۱ (۱۹۹۶: ۲۳۱) این نکته را نشان می‌دهد:

(11) *söz-üm-ə başla-maz-dan ə evvel bu-ni de-meli-yem.*  
 [word-1S.PO-DAT begin-AOR.NEG-ABL before] this-ACC say-NECES-1S'  
 I must say this before I begin my speech.'

(12) *pehlevan at-dan düş-me-miş başla-dü qışqer-mağ.*  
 Warrior [horse-ABL alight-NEG-PF] begin-3S.PA shout-PURP  
 'The warrior started to shout before he had alighted from the horse.'

در هر دو جمله فوق، در بند زمان که معنای «قبل» دارد، فعل منفی است، اما معنای منفی ندارد. این ویژگی که در ترکی، کاملاً عادی است، در فارسی همدانی نیز مشاهده می‌شود. البته فارسی همدانی، این الگو را به برخی بندهای وابسته دیگر نیز گسترش داده، که در این مقاله بحث شد. زبان‌های دیگر نیز این الگو را قرض گرفته‌اند. مثلاً خان (2016) (Khan) عنوان می‌کند که در زبان‌های آرامی نو، این الگو قرض گرفته شده است، مانند نمونه (۱۳) از زبان آرامی نو مسیحیان آسوری ارومیه:

(13) *ě-dān léla vāra, jexcela.*  
 that-time NEG.COP.3FS enter.PROG laugh.PROG.3FS  
 'As soon as she enters, she laughs.'

عنصر منفی در این جمله هم، باعث منفی شدن آن نشده است و فقط یک نفی تهی است.

## ۵ نتیجه‌گیری

وجود یک صورت همراه با نقشی مشخص است. در این مقاله به یک صورت خاص در فارسی همدانی اشاره کردیم که در نگاه نخست نقشی نداشت. یعنی یک عنصر منفی که جمله را نفی نمی‌کرد. در مطالعات رده‌شناختی آن را نفی تهی می‌نامند. با گردآوری نمونه‌های این ساخت از پیکره گفتاری فارسی همدانی، مشخص شد این ساخت در برخی بندهای قیدی زمان، امر غیرمنتظره و امری که باعث تاسف و شکایت است به کار می‌رود. ویژگی مشترک این مفاهیم، نوعی عدم قطعیت و امکان و میل بود که در زیر مقوله وجهیت معرفتی قرار می‌گیرد. پس این ساخت به نوعی وجهیت معرفتی با معنای «عدم» را نشان می‌دهد. همچنین نشان دادیم دلیل وجود این ساخت در فارسی گونه همدانی، تماس زبانی فارسی‌زبانان این منطقه با زبان ترکی و تاثیر پذیرفتن از آن است.

## منابع

- صبوری، فریبا (۱۴۰۱). بررسی پیکره‌بنیاد گویش همدانی با تکیه بر ویژگی‌های تاریخی. رساله دکتری. گروه زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا. همدان.
- Abels, K. (2005). "Expletive negation" in Russian: a conspiracy theory". *Journal of Slavic Linguistics*. 13.1, 5-74.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals, 2nd ed.* Cambridge: Cambridge University press.
- Dobrushina, N. (2020). "Negation in complement clauses of fear-verbs". *Functions of Language*. John Benjamins Publishing Company.
- Hetterle, K. (2015). *Adverbial Clauses in Cross-Linguistic Perspective*. Berlin: De Gruyter Mouton.
- Horn, L. (2010). "Multiple negation in English and other languages". *The expression of negation*. L. Horn (ed.), Berlin: De Gruyter Mouton, 111-148.
- Jin, Y. (2021). *Negation on your mind: A cross-linguistic and psycholinguistic study of expletive negation*. Buffalo, NY: University at Buffalo dissertation.
- Jin, Y., & J. P. Koenig (2021). "A cross-linguistic study of expletive negation". *Linguistic Typology*. 25(1), 39-78.
- Khan, G. (2016). "The Neo-Aramaic Dialect of the Assyrian Christians of Urmi. 4 vols". *Studies in Semitic Languages and Linguistics*. 86, vol. 2, Leiden-Boston: Brill, p.499.
- Lee, S. N. (1996). *A grammar of Iranian Azarbaijani*. Ph.D. Dissertation. University of Sussex.
- Lewis, G. (2000). *Turkish Grammar*. 2<sup>nd</sup> edition. Oxford: Oxford University Press.
- Ramat, P. (2022). "Expletive negation and related problems". *Linguistic Typology at the crossroads 2-2*: 1-38.
- Wälchli, B. (2018). "'As long as', 'until' and 'before' clauses: Zooming in on linguistic diversity". *Baltic Linguistics* 9: 141-236. <https://doi.org/10.32798/bl.372>

استاد به این مقاله: راسخ مهند، محمد؛ ناصح، محمد امین. (۱۴۰۱). وقتی منفی مثبت است: بررسی ساخت نفی تهی در فارسی همدانی. زبان و زبان‌شناسی ۱۸(۳۶)، ۱-۱۲. doi: 10.30465/lsi.2023.44382.1657



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی